کف تهران با داعش می‌جنگیدیم!

یادی از شهید جواد مختاری که عکسی از او، خاطراتش را زنده کرد

رضا شاعری
فعال فرهنگی

وقتی کنجکاوی و ذوق جوانانه محمدرضا واحدی باعث شد تا قاب استوانه‌ای که از جیب افسر بعثی در کوی ذوالفقاری بیرون زده بود را بردارد و وارسی کند، حتی فکرش را هم نمی‌کرد با آن دستگاه، تصاویری به یادگار ثبت کند که لبخندهای چند رزمنده جوان تهرانی را که به عشق وطن از تهران تا خوزستان رفته بودند، برای همیشه در خاطره تاریخ دفاع‌مقدس ماندگار کند. نمی‌دانست هرکدام از مردهای این عکس چه قصه و سرنوشتی در انتظارشان خواهد بود، اما این جوان‌ها با لباس‌های خاکی هر کدام قصه متفاوتی دارند که روایت یکی از آنها را برایتان نوشته‌ام.

بچه میدان ابوذر

عکس را آقا منوچهر از لای آلبوم درآورد و در کنار تصاویر دیگر دسته کرد و به من داد. یکی‌یکی خاطرات عکس‌ها را گفت، رسید به این تصویر، نظرم را اهلی‌کوپتر پشت تصویر به خود جلب کرد. سه نفر از رزمنده‌ها که آشنا بودند، اما آن جوانی که برخلاف باقی رزمنده‌ها زلفکان مجعدش را هنوز نتراشیده بود، نظرم را بیشتر جلب کرد. پرسیدم این آقا کیست؟ قدری مکث کرد. چشمانش خیره شد به تصویر. ذهنش انگار رفته بود به سال‌های دور، اما هرچه تلاش کرد نامش یادش نیامد. با تردید گفت: «یک چیزهایی به ذهنم آمد، این بنده خدا همان روزهای اول جنگ با ما آمد خوزستان، می‌گفت: «بچه میدان ابوذر بود، همین محله فلاح، شاید هم شهید شده باشه!» سری تکان داد و با تاسف گفت: «یادم نیست رضاجان! نزدیک ۴۰ ساله که گذشته، از دامادتان حاج محمدرضا بپرس! اون بیشتر یادشه.»

اولین روزهای جنگ در بندر ماهشهر

۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ در دفتر کارم، مشغول ضبط خاطره برای مستند شهیدان مایلی و برادرم آقا جواد بودیم، در عکس‌هایی که حاجی همراهش آورده بود، همان تصویر چهارتایی هم بود و قصه عکس را برایمان این‌گونه روایت کرد.

این عکس را اولین روزهای جنگ در بندر ماهشهر ثبت کردیم، جنگ تازه شروع شده بود، اما ما حدود یک سالی بود در بسیج ویژه دوره آموزش نظامی دیده بودیم. ۳۱ شهریور که جنگ شروع شد، با ۱۲۰۰ نفر از بچه‌های بسیج به خوزستان اعزام شدیم.

همان روز رادیو عراق گزارشی تهیه کرده بود که «۱۲۰۰ نفر از کماندوهای خمینی وارد آبادان شدند!» همین‌جا حاج محمدرضا مکثی کرد و به رسم ادب و سربازی با تاکید گفت: «البته امام خمینی(ره)! رادیو عراق با این عنوان امام را خطاب کرد.»

با بچه‌ها وارد کوی ذوالفقاری در حومه آبادان شدیم، در محوطه دیدم جنازه یک افسر بعثی روی زمین افتاده، از جیبش شیء استوانه‌ای‌شکلی بیرون زده بود. رفتم و از جلیقه نظامی‌اش استوانه را بیرون کشیدم، به نظرم آمد دوربین عکاسی باشد، با نگاهی به وسایل افسر بعثی، فیلم‌های نگاتیوی پیدا کردم، تردیدم حالا یقین شد که دوربین عکاسی است. بچه‌ها (شهید امیر فرخ بلاغی، شهید جواد شاعری، منوچهر زینتی‌فر) را صدا کردم چند تا عکس یادگاری بیندازیم.

پرسیدم: «راستی حاجی یادتون نیومد این بنده خدا موبلنده اسمش چیه؟» مکثی کرد و با تمرکز گفت: «نه!»

جوادهای این عکس شهید شدند

مصاحبه داشت تمام می‌شد که یکهو گفت: «آهان گمان می‌کنم مختارزاده، مختارنژاد یا مختاری بود.» بی‌درنگ با همکارانم در اداره ایثارگران تماس گرفتم و خواستم تا فهرست نام همه شهدایی را که چنین فامیلی‌هایی دارند به همراه پرتره‌هایشان برای بررسی بهتر در اختیارم قرار بدهند. چند دقیقه بعد یکی از همکاران زحمت کشید و عکس‌ها را آورد؛ تصویر جواد مختاری البته با موهای کوتاه، تا روی صفحه، چهره‌اش نمایش داده شد، حاجی سرضرب گفت: «آره خودشه!» صاحب عکس جواد دیگری بود از محله فلاح، آبان‌ماه سال ۱۳۶۰ به شهادت رسیده بود. با پدر شهید تماس گرفتم. از ایشان خواستم تا به دیدن‌شان بروم، وارد کوچه شهید جواد مختاری شدم. چند دقیقه بعد در طبقه دوم ساختمان محضر پدر و مادر شهید را درک کردم، مادر با آن چادر گلدار قدیمی مهربان و نورانی با لهجه‌ای اراکی صحبت می‌کرد و خاطره می‌گفت.

چادر را روی صورتش پوشانده بود، کیپ تاکیپ، نمکی و مهربان؛ درست چهره‌ای اصالت‌مندانه از مادرهای ایرانی که نور و صفا و عشق و محبت و حیا در اطوار و رفتارشان نقش بسته بود. حاج آقا میوه تعارف کرد، همه قصه را گفتم، مادر اشک نشسته بود توی چشم‌هایش، هر لحظه مصاحبت نور بود و صفا و محبت... آقای مختاری گفت: پسرم مدتی بود که در سپاه محافظ شخصیت‌های سیاسی شده بود، اینجا توی محل خودمان یک خانه تیمی از منافقین شناسایی کرد و قصد داشت مدارک خانه و اطلاعاتش را در اختیار بچه‌های سپاه قرار دهد. توی مسیر سر چهارراه لشکر همین جایی که ساختمان اداره پست هست به‌طرز ناجوانمردانه‌ای جوادمان را به شهادت رساندند، پدر اینها را روایت می‌کرد و من که دیگر تاب شنیدن نداشتم، یادم آمد آن جمله معروف را که با داعش چهار دهه پیش توی تهران می‌جنگیدیم؛ آن موقع که هنوز داعش ظهور نکرده بود!

هرکه یادی از جواد من کند، دوستش دارم!

حاج خانم همین‌طور که چادر جلوی صورتش بود، گفت: «قربان معرفتت که آمدی مادر! «هرکه یادی از جواد من کنه، دوستش دارم!»

مادر از روز آخری که جوادش به جبهه رفت، برایم گفت و قصه این بود... روز آخری که جواد عازم بود، گفت: «مامان خوابم یادت نره! من شهید می‌شم، وقتی شهید شدم برای من گریه نکنی‌ها!» گفتم: «ننه! مگه میشه آدم بچه‌اش بره شهید شه اما گریه نکنه؟» گفتم: «پس حالا که میری از خدا برایم صبر بخواه! حاج‌آقا هم شاهده خدا آن‌قدر به من صبر داد، گریه نکردم اما الان دیگه طاقت ندارم...» پدر رفت تا آلبوم عکس‌ها را بیاورد. توی عکس‌ها همان عکس چهارتایی هم بود. همان‌طور که کنجکاوی و ذوق حاج محمدرضای قصه ما باعث شد تا آن موهای تراشیده در میدان نبرد و آن لبخندهای مومنانه در روزگاری که بوی باروت بر فلات ایران چیره بود، برای همیشه در تاریخ ثبت شود، دل این پدر و مادر نیز با هر بار نگاه به چهره جوان برومندشان شاد گردد. این مسیر به من، به‌عنوان یک جوان دهه شصتی، راهی باز کرد تا به خانه آنها و داستان این عکس برگردم؛ تا روایت آن داستان در کنار رزمنده‌های خمینی(ره) با دوربین جوانان نسل چهارمی مثل محمد مظلوم و مهدی جعفرزاده و با قلم این سرباز کوچک رسانه، در گوشه‌ای از تاریخ شفاهی کشورمان نوشته و ثبت شود.

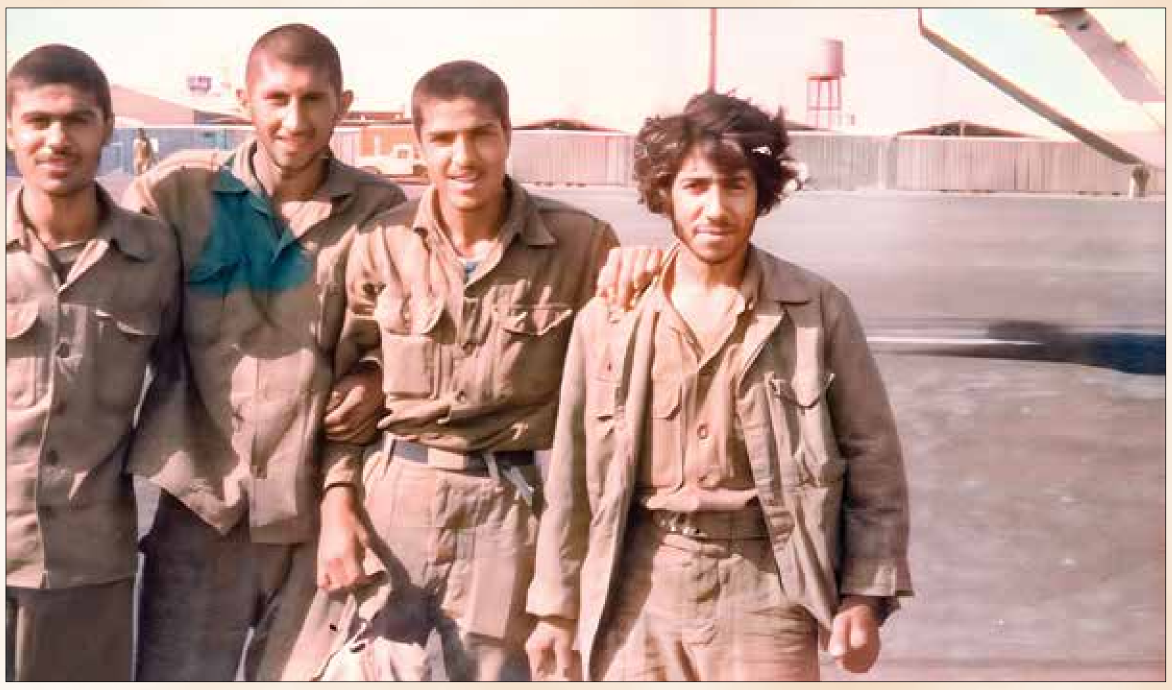

برش

گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را

عکس کاغذی توی خانه بود اما مادر گفت: «پسرم آن گوشی را بیاور ببینم عکس شهید را، عکس دامادتان را. تصویر را روی صفحه موبایل بزرگ کردم. مادر شهید جواد مختاری قربان‌صدقه جوادش رفت، نام‌ها را یکی‌یکی پرسید، گفت خدا شهیدتان را با علی‌اکبر محشور کند.

مادر عکس حاج‌محمدرضا را دید و گفت: «این آقادامادتان است؟ دست کشید روی صفحه گوشی، عکس پسرهای توی عکس را بوسید و گفت: «این بچه‌ها پیش جواد من بودند، برای اسلام رفتند جنگیدند...» اشک می‌ریخت و دست‌های نحیف مادرانه‌اش را می‌کشید روی صورت پسرهایش که در مهر ۱۳۵۹ لبخندشان با دوربینی در هتل کاروانسرا و فرودگاه ماهشهر ثبت شده بود، و من یاد آن قطعه موسیقی افتادم که می‌خواند:

«گلی گم کرده‌ام
می‌جویم او را، به
هر گل می‌رسم
می‌بویم او را...»

مکث

در جوانی شیفته دکتر شریعتی بود

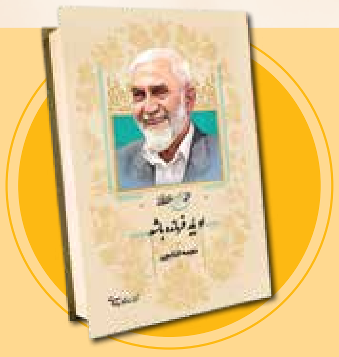

۹ سال از شهادت حبیب سپاه، سردار حاج‌حسین همدانی در سوریه و در دفاع از حرم می‌گذرد. در این سال‌ها هر کتابی که درباره او و سیره‌اش منتشر شده مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی که درباره شخصیت این شهید به قلم نجمه کتابچی نوشته و توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، کتاب «او باید فرمانده باشد» است. نویسنده در بخشی از مقدمه این کتاب آورده: روزی که برای اولین بار تصمیم گرفتم داستان بلندی از خاطرات سردار شهید حسین همدانی بنویسم، برای این کار انگیزه کافی نداشتم. به گمانم کتابخانه‌های ما از این دست کتاب‌ها لبریز و کتابفروشی‌های ما اشباع بودند. مگر این‌که حرف نویی برای گفتن وجود داشته باشد، فراتر از سلوک و سیاق زندگی فردی و حتی اجتماعی شهید، که می‌بایست این حرف نو را از لابه‌لای خاطره‌ها و داستان زندگی سردار پیدا می‌کردم. در ازای شخصیتی که در جوانی شیفته دکتر علی شریعتی، آخوند ملاعلی معصومی‌همدانی و شهید آیت‌ا... مدنی شده بود، در وانفسای ایدئولوژی‌ها ولایت‌فقیه را به‌عنوان برترین و مترقی‌ترین مکتب فکری برگزیده بود، در سایه رهبری تاریخ‌ساز خمینی کبیر، طعم پیروزی را چشیده بود، کاری جز این از من ساخته نبود. هرچند نگارش این کتاب پنج سال به طول انجامید!

سرپرست شرکت ملی صنایع پتروشیمی:

تسریع در تکمیل طرح‌های پتروشیمی، کلید بهبود تراز تجاری کشور است

سرپرست شرکت ملی صنایع پتروشیمی، تسریع تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام صنعت پتروشیمی را از اولویت‌های اصلی وزارت نفت برشمرد و گفت: کلید توسعه و افزایش تراز تجاری و صادرات در بهره‌برداری به‌موقع از طرح‌های پتروشیمی است. به نقل از شرکت ملی صنایع پتروشیمی، حسن عباس‌زاده در دیدار با غلامرضا دهقان ناصرآبادی، نماینده کازرون و عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی بر تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام صنعت پتروشیمی تا پایان برنامه هفتم توسعه تأکید و بیان کرد: تکمیل طرح‌های پتروشیمی و افزایش تولید محصولات پتروشیمی می‌تواند منجر به ایجاد ارزش افزوده بیشتر و بهبود تراز تجاری کشور شود. وی تصریح کرد: رفع موانع مالی و زیرساختی، جذب سرمایه‌گذاری و حمایت از بخش خصوصی نقش مؤثری در تسریع روند اجرای طرح‌های پتروشیمی دارد.

۳	۶	۵	۸	۲												۳	۲	۹	۱	۸
۸					۴										۵					۳
۷						۱								۸						۴
۵							۴						۴							۲
۱								۳				۹								۶
	۸							۶				۶							۸	
		۲						۸				۱						۷		
			۷					۱				۲					۵			
				۸	۶	۲	۷	۹		۱		۸	۵	۶	۲	۱				
									۲		۹									
								۶		۴		۷								
									۷		۵									
				۴	۸	۶	۳	۵		۹		۴	۱	۷	۹	۶				
			۶					۲				۵					۷			
		۹						۷				۳						۱		
	۲							۸				۸							۵	
۵								۱				۲								۳
۴							۲						۴							۱
۱						۵								۴						۹
۳					۶										۱					۸
۹	۵	۶	۴	۷												۲	۶	۴	۷	۵

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یاستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۷۲۱

۵	۷	۶	۴	۸	۲	۹	۳	۱				۷	۱	۲	۹	۵	۸	۴	۶	۳
۳	۱	۲	۵	۹	۷	۸	۴	۶				۶	۸	۳	۴	۲	۷	۵	۱	۹
۹	۸	۴	۱	۳	۶	۷	۵	۲				۹	۴	۵	۳	۱	۶	۸	۲	۷
۷	۹	۵	۶	۱	۴	۳	۲	۸				۵	۲	۱	۷	۶	۳	۹	۴	۸
۲	۶	۱	۳	۷	۸	۵	۹	۴				۳	۷	۴	۲	۸	۹	۶	۵	۱
۴	۳	۸	۲	۵	۹	۶	۱	۷				۸	۶	۹	۱	۴	۵	۳	۷	۲
۶	۴	۷	۹	۲	۳	۱	۸	۵	۲	۹	۶	۴	۳	۷	۶	۹	۲	۱	۸	۵
۱	۲	۳	۸	۶	۵	۴	۷	۹	۸	۱	۳	۲	۵	۶	۸	۳	۱	۷	۹	۴
۸	۵	۹	۷	۴	۱	۲	۶	۳	۵	۷	۴	۱	۹	۸	۵	۷	۴	۲	۳	۶
						۸	۹	۶	۴	۲	۱	۵	۷	۳						
						۵	۴	۱	۷	۳	۸	۶	۲	۹						
						۳	۲	۷	۶	۵	۹	۸	۴	۱						
۷	۳	۸	۹	۱	۴	۶	۵	۲	۹	۸	۷	۳	۱	۴	۵	۶	۸	۹	۲	۷
۲	۶	۱	۷	۸	۵	۹	۳	۴	۱	۶	۲	۷	۸	۵	۹	۳	۲	۶	۱	۴
۴	۵	۹	۲	۳	۶	۷	۱	۸	۳	۴	۵	۹	۶	۲	۷	۴	۱	۵	۳	۸
۸	۱	۶	۵	۴	۳	۲	۹	۷				۶	۳	۸	۱	۲	۹	۷	۴	۵
۵	۷	۴	۱	۲	۹	۸	۶	۳				۴	۷	۹	۳	۵	۶	۱	۸	۲
۳	۹	۲	۸	۶	۷	۱	۴	۵				۲	۵	۱	۴	۸	۷	۳	۶	۹
۹	۲	۳	۴	۷	۱	۵	۸	۶				۸	۲	۷	۶	۱	۵	۴	۹	۳
۱	۴	۷	۶	۵	۸	۳	۲	۹				۵	۴	۶	۲	۹	۳	۸	۷	۱
۶	۸	۵	۳	۹	۲	۴	۷	۱				۱	۹	۳	۸	۷	۴	۲	۵	۶

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)
دعوت به شرکت در مناقصه تامین ۳ دستگاه لیفتراک ۳ تن دیزلی برند تویوتا

نفت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد تعداد ۳ دستگاه لیفتراک دیزلی ۳ تن برند تویوتا را مطابق اسناد مناقصه خریداری نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ نسبت به دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به دبیرخانه کمیسیون معاملات این شرکت به نشانی: کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص تهران-کرج، پالایشگاه شرکت نفت پارس اقدام نمایند.

- دریافت اسناد مناقصه از طریق وبگاه شرکت نفت پارس به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html امکان‌پذیر می‌باشد.
- واگذاری مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.
- به پیشنهادهای فاقد امضا/ مهر، مشروط، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفا به منزله دعوت به مناقصه می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

آگهی مناقصه عمومی
با اخذ سپرده
نوبت اول

درخواست شماره: RHP-7302517033-T17
موضوع آگهی: خرید اقلام بدنسازی

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.baorco.ir مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول
شرکت تعاونی تاکسیرانی شهر ملارد
به شماره ثبت ۷۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۹۶۴۵۴

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می شود تا در مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول که راس ساعت ۱۵ روز جمعه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۵ در ملارد بلوار رسول اکرم سالن شهید طحانی تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.
در صورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید در اینصورت هیچ کس نمی تواند نمایندگی بیش از سه عضو را بپذیرد. همچنین برگه های نمایندگی مزبور با امضای هیئت مدیره معتبر خواهد بود.
بدین منظور عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ به همراه نماینده خود و با در دست داشتن مدرک موید عضویت در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در دفتر تعاونی حاضر شود.
کاندیداهای عضویت در سمت هیئت مدیره و بازرسان حداکثر ظرف مدت پنج روز از تاریخ انتشار آگهی می توانند جهت تکمیل فرم ثبت نام به دفتر تعاونی واقع در ملارد، بلوار رسول اکرم، جنب پمپ گاز، پلاک ۲۰۸۶ طبقه همکف مراجعه نمایند.
دستور جلسه: ۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس/ بازرسان ۲- طرح و تصویب صورتهای مالی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ ۳- انتخاب هیئت مدیره و بازرسان
هیئت مدیره

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی
با اخذ سپرده

درخواست شماره: RHS-0142002-T13
موضوع آگهی: خرید قطعات یدکی توربین گازی
NUOVO PIGNONE

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR مراجعه نمایید.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

فراخوان ارزیابی کیفی
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای MSK1403110
تقاضای شماره: ۰۱-۳۱-۲۰-۰۲۲۶۱۶۰ اقلام یدکی توربین گازی سولار مدل MDG4000

نوبت دوم

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر به‌صورت فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تأمین نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تعداد قلم	موضوع مناقصه	مقدار کالا	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین(ریال)
۲	PARTS FOR"SOLAR " CENTAUR GAS TURBIN MODEL MDG – 4000 مطابق با جدول مشخصات فنی و مقادیر کالا	۲۵ NO	۲۰۰۳۰۹۲۲۸۸۰۰۱۰۴۵	۱،۶۴۷،۳۵۰،۰۰۰

صرفا سازندگان داخلی که قادر به ساخت کالا هستند، اجازه شرکت در مناقصه را دارند.

لذا کلیه شرکت‌هایی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می‌باشد، می‌بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان نوبت دوم با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به چاپ و تکمیل «فرم تعهدنامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب» و بارگذاری آن به همراه مدارک و مستندات، بر اساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از ۲۰ برابر نصاب معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند.
کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی، جهت دریافت اسناد مناقصه توسط فروشندگان/ سازندگان الزامی است.
با وصول دو فقره پیشنهاد معتبر در موعد زمانبندی مناقصه گشایش پاکات انجام می‌شود.
کالای تقاضای مذکور می‌بایست توسط سازندگان داخلی که قادر به ساخت کالا هستند، تولید و تحویل گردد. اسناد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه، از طریق سامانه ستاد برای مناقصه‌گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.
ضمنا مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱،۶۴۷،۳۵۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
مدارک ارزیابی کیفی می‌بایست در قالب یک فایل به‌صورت فشرده pdf بارگذاری گردد.

شناسه ۱۸۰۲۰۲۱
اداره مهندسی ساخت کالا (تلفن ۲۴۰۱۵-۳۴۱-۰۶۱)